



بحث پیرامون شاهنامه فردوسی

آذرگشپ

AZAR GUŠASP

(۲)

موارد استعمال «آذرگشپ» در شاهنامه

تو گفستی که گرگست یا پیل مست	بر آمد بکردار آذرگشپ	(حاشیه ۱۶۲ ج ۲)
بهر سو که قارون بر افکند اسپ	همی تافت آهن چو آذرگشپ	(۱۸/۱۹۵ ج ۲)
چو دردم بدیدش برانگیخت اسپ	بیامد بر وی چو آذرگشپ	(۱۰۴/۵۲۳ ج ۲)
بر آه بیخت گرزو برانگیخت اسپ	بیامد بکردار آذرگشپ	(حاشیه ۱۲۱ ج ۲)
غان بر گزاید و بر گاشت اسپ	بیامد بکردار آذرگشپ	(۱۸۶/۲۱۸ ج ۲)
یکی نیزه زد همچو آذرگشپ	ز کوهه ببردش سوی یال اسپ	(۱۷۸/۲۷۲۳ ج ۳)
همان اسپ تو شاه اسپ من اسپ	کلاه تو آذرگشپ من است	(۱۲۱/۱۸۶۹ ج ۳)
و ز آن پس کسی کرد با تو گشپ	ابا خواسته همچو آذرگشپ	(حاشیه ۲۳۲ ج ۳)
ذبیرون دوزیمی تک تازی اسپ	بر آورد و بنهاد آذرگشپ	(۲۴۷/۳۷۳۵ ج ۳)

• آقای دکتر منصور دستگار استاد دانشکده ادبیات دانشگاه پهلوی شیراز. از محققان

معاصر.

بیامد سوی خان آذرگشپ (۴ج ۱۳/۷۳)	گهی باده خورد و گهی تاخت اسپ
از این مرز تا خان آذر گشپ (۴ج ۱۵/۱۱۹)	پیمودم این بوم ایران بر اسپ
نبد نامورتر ز جنگی زرسپ (۴ج ۷۲/۱۰۰۷)	سپهد چین گفت کاآذرگشپ
پس اندرش بیژن چو آذرگشپ (۴ج ۷۸/۱۱۰)	چنین تا در دژ همی تاخت اسپ
بیامد بکردار آذرگشپ (۴ج ۹۷/۱۳۷۷)	چو بشنید بیژن برانگیخت اسپ
بجوئید برسان آذرگشپ (۴ج ۱۰۴/۱۴۷۸)	خروش دم مادیان یافت اسپ
همی بر فروزم چو آذرگشپ (۲ج ۱۲۰/۶۹)	ز پاکیزه جان فرود و زرسپ
همی رفت برسان آذرگشپ (۴ج ۲۱۱/۴۱)	از آن دشت چنگش برانگیخت اسپ
بینداخت تیری چو آذرگشپ (۴ج ۳۰۴/۵۰)	کمان را بزه کرد و از باد اسپ
منم گفست در رزم آذرگشپ (حاشیه ۲۵۳/۲ج)	چو بشنید رستم برانگیخت اسپ
بکردار رخشنده آذرگشپ (۵ج ۵۳/۷۶۴)	نشستند گردان و رستم بر اسپ
نشست از بر زین چو آذرگشپ (۵ج ۱۹۳/۱۸۶۷)	گرازه هم آنکه بیستش به اسپ
پرستنده فرخ آذرگشپ (۵ج ۲۲۲/۱۴۰)	هر آنکس که بود او زنخم زرسپ
پیاده بیامد چو آذرگشپ (۵ج ۲۷۵/۶۶۲)	به رهام داد آن گرانمایه اسپ
بتازیم تا خان آذرگشپ (۵ج ۳۶۴/۲۱۹۳)	بدو گفت ماهم چنین بردو اسپ
دوان تا سوی خان آذرگشپ (۵ج ۳۶۵/۲۱۹۹)	نشستند با باژ هر دو بر اسپ
برفتند ز ایوان آذرگشپ (۵ج ۳۷۱/۲۲۸۳)	همانکه نشستند شاهان بر اسپ
ببخشید گنجی بر آذرگشپ (۵ج ۳۷۶/۲۳۷۳)	چو گنجور کیخسرو آمد زرسپ
بیامد به ایوان آذرگشپ (۵ج ۳۷۷/۲۳۸۷)	هر آنکس که بود از نژاد زرسپ
فروزنده فرخ آذرگشپ (۵ج ۳۸۲/۲۴۷۸)	فرازنده نیزه و تیغ و اسپ
پرستنده آذرگشپ ترا (۵ج ۴۱۱/۲۹۹۶)	همه خاک باشیم اسپ ترا
فروزان بکردار آذرگشپ (۶ج ۵۸۱/۸۰۲)	همی رفت هر مهتری با دو اسپ
فروزان بکردار گردان سپهر (۷ج ۱۱۷/۸۷)	چو آذرگشپ و چو خراد و مهر
فروزنده برسان آذرگشپ (۷ج ۲۷۲/۱۴۴)	پذیرفت بهرام زو آن دو اسپ
فرستمش تا خان آذرگشپ (۷ج ۳۷۱/۱۱۶۸)	دو پایش بیندند در زیر اسپ
همه بی بنه هر یکی با دو اسپ (۷ج ۳۹۰/۱۵۰۹)	بیاورد لشکر ز آذرگشپ
بیامد سوی خان آذرگشپ (۷ج ۴۴۱/۲۳۹۷)	نشست آن زمان شاه و لشکر بر اسپ

۱- منقول از بنداری از کبانا دانت معاوانت نصیرالی بیت نار آذرگشپ، حواشی سفینه

۳۶۴ جلد پنجم.

پسرستنده فرخ ایزد گشسب (۸ج ۳۶۲/۸۰۰)	به يك دست بر بود آذرگشسب
از آن جنگیان بر نشاند براسب ^۲ (۸ج ۳۸۱/۱۱۰۶)	چهار از یلان نیز آذرگشسب ^۱
چپ و راست برسان آذرگشسب (۸ج ۶۴/۲۰۲)	دگر باره گسری برانگیخت اسب
پیاده از او دور و بگذاشت اسب (۸ج ۸۲/۵۱۰)	چو چاهش بر آمد به آذرگشسب
بیامد بکردار آذرگشسب (۸ج ۱۰۶/۹۲۲)	سپهبد چو آتش برانگیخت اسب
همی راند تا خان آذرگشسب (۸ج ۱۹۰/۲۳۴۵)	وز آن تخت شاه اندر آمد براسب
پهوش رود نزد آذرگشسب (۸ج ۱۹۲/۲۳۸۹)	پیاده بماند سوارش ز اسب
به آذرگشسب و به تخت و کلاه (۸ج ۲۹۵/۴۱۳۴)	به یزدان يك و به خورشید و ماه
به آذرگشسب و به آذرپناه (۸ج ۳۹۵/۱۳۳۸)	به گاه و به تاج و بخورشید و ماه
زمانی دوان پیش آذرگشسب (۸ج ۴۲۳/۱۷۴۸)	زسانی به نخجیر تازیم اسب
بیابند و سوگندهای گسران (۸ج ۴۲۳/۱۷۵۲)	اگر پیش آذرگشسب این سران
فکندند مردی سبک بر دواسب (۹ج ۱۰/۱)	چو گسبم و بندوی با آذرگشسب
بدست چپش زغن آذرگشسب ^۳ (۹ج ۱۸/۱۴۰)	چو برق درخشان همی راند اسب
بیارم دمان پیش آذرگشسب (۹ج ۲۵/۲۵۸)	اگر نام دل یابم این تاج و اسب
با آذرگشسب و به تخت و کلاه (۹ج ۶۳/۹۰۶)	یکم سخت سوگند خواهم بمه
بجان و سر نامبردار شاه (۹ج ۷۵/۱۱۱۸)	با آذرگشسب و بخورشید و ماه
همی تاخت تاپیش آذرگشسب (۹ج ۱۰۴/۱۶۰۱۹)	وز آن دشت بی برانگیخت اسب
دوان پیش باز آمدم کینه خواه (۹ج ۱۳۰/۲۰۳۲)	با آذرگشسب آمدم بسا سپاه
بگنبد نگه کرد و بگذاشت اسب (۹ج ۱۳۵/۲۱۲۸)	ز اشکر گه آمد با آذرگشسب
همی تاخت برسان آذرگشسب (۹ج ۲۲۶/۳۹۵۶)	بگفت این و از جای بر کند اسب
بیر سوی گنجسور آذرگشسب ^۴ (۹ج ۳۱۶/۶۵)	همی دون گله هر چه داری ز اسب
بگفتار آذرگشسب پلید ^۶ (۹ج ۳۸/۴۷۹)	چو آشفته شد هر مز و بردمیده
چو انگوی گستاخ باشی و پیل ^۷ (۹ج ۱۱۷/۱۸۳۱)	چو آذرگشسب و دگر شیر ذیل

- ۱- در نسخه IV و I ایزد گشسب ضبط شده است.
- ۲- آذرگشسب در اینجا در مورد یکی از پهلوانان هرمزد است.
- ۳- در نسخه K همدان گشسب در نسخه VI - IV و K ایزد گشسب آمده است.
- ۴- و انهض الی آذربيجان از قول بنداری در حاشیه همان صفحه.
- ۵- نام سردار است.
- ۶- در نسخه L ایزد گشسب و در نسخه K ایزد گشسب است.
- ۷- در نسخه IV - I - L بصورت شیر ذیل آمده است. در این بیت نیز آذرگشسب نام سردار است.